

عنوان مقاله:

«ذهن به مثابه برساخت آگاهی و نئوکورتکس: ایده‌ای انتقادی بر دیدگاه ماتریالیستی» 

نویسنده: رامین بیداری

پژوهشگر مستقل در حوزه‌های عصب‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و معنویت

---

### چکیده

این مقاله چارچوبی نظری پیشنهاد می‌کند که در آن «ذهن» نه یک جوهر مستقل است و نه پدیده‌ای که مستقیماً از ماده به وجود آمده باشد؛ بلکه محصول برهم‌کنش میان نئوکورتکس و آگاهی غیرمادی است. از منظر تکامل، پیش از گسترش نئوکورتکس چیزی به نام «ذهن» وجود نداشت؛ بنابراین، ذهن را باید برساخته‌ای متأخر دانست که بر پایه پیچیدگی‌های قشر جدید مغز شکل گرفته است. نئوکورتکس ظرفیت‌هایی چون زبان، معناسازی، حافظهٔ روایی، و شبیه‌سازی آینده را تولید می‌کند و در عین حال نقش «آینه»‌ای را دارد که آگاهی غیرمادی از طریق آن شفاف‌تر برای انسان آشکار می‌شود. علم ماتریالیستی معمولاً این بازتاب تقویت‌شده را محصول خود مغز می‌داند و آن را «ذهن» می‌نامد؛ اما این مقاله نشان می‌دهد که ذهن تنها خروجی مشترک میان پردازش‌های نئوکورتکس و بازتاب آگاهی است. در این چارچوب، «ذهن» یک لایهٔ واسط است و نه منبع تجربه. این مدل که «مدل واسط مغز-آگاهی» نامیده می‌شود، می‌تواند پارادایم تازه‌ای برای فهم رابطهٔ آگاهی و مغز ایجاد کند.

### کلیدواژه‌ها

آگاهی، نئوکورتکس، ذهن، برساخت ذهنی، آگاهی غیرمادی، ماتریالیسم، انرژی آگاهی، دوگانه‌انگاری نو، مغز-آگاهی، تجربه‌گر بودن آگاهی، علوم اعصاب شناختی، مطالعات هوشیاری، تعامل مغز و هوشیاری، تعامل روح و مغز، هوشیاری مبتنی بر انرژی

---

## ۱. مقدمه

در سنت فلسفی و علمی، ذهن معمولاً به عنوان یک «جوهر» یا یک «هویت» مستقل در نظر گرفته شده است؛ چه در دوگانه‌انگاری دکارتی و چه در ماتریالیسم معاصر. هر دو رویکرد فرض می‌گیرند که ذهن چیزی استوار، یکپارچه و ذات‌مند است.

این مقاله این فرض را به چالش می‌کشد.

بر اساس دیدگاه پیشنهادی، ذهن:

1. وجود مستقل ندارد؛

2. از عملکرد نئوکورتکس پدید می‌آید؛

3. بازتاب ساختاریافته‌ی آگاهی غیرمادی است؛

4. و تنها زمانی به وجود آمد که نئوکورتکس در تکامل انسان رشد کرد.

بر این اساس، ذهن را باید محصول ظهور همزمان دو چیز دانست:

توانایی پردازشی نئوکورتکس و حضور آگاهی غیرمادی که از طریق این ساختار بازتاب می‌یابد.

---

۲. زمینه‌ی تکاملی: پیش از نئوکورتکس ذهن وجود نداشت

حیوانات اولیه و پستانداران ابتدایی فاقد نئوکورتکس توسعه‌یافته بودند؛ تجربه‌ی آنها خام، لحظه‌ای و عاطفه‌محور بود.

در چنین موجوداتی:

آگاهی به صورت «حضور خام» وجود داشته،

اما «ذهن» به عنوان ساختاری متشکل از زبان، معنا، حافظه خودزندگی نامه‌ای و آینده‌نگری، وجود نداشته است.

با گسترش نئوکورتکس در انسان، سه تحول بنیادی رخ داد:

1. معناسازی و نمادپردازی شکل گرفت؛

2. احساس زمان، آینده و روایت پدید آمد؛

3. آگاهی توانست شفاف‌تر در انسان نمایان شود.

به عبارت دیگر، انسان تنها هنگامی توانست «خود» را ببیند که قشر جدید مغز او آینه‌ای کافی برای بازتاب آگاهی شد.

از این منظر:

< اگر نئوکورتکس تکامل نمی‌یافت، ذهن نیز هرگز پدیدار نمی‌شد.

بنابراین ذهن یک «جوهر ازلی» نیست؛ یک برساخته تکاملی است.

---

۳. نئوکورتکس به عنوان سازنده برساخت‌های ذهنی

نئوکورتکس مسئول طیفی از توانایی‌های شناختی است:

زبان و نمادپردازی

تفکر انتزاعی

پردازش مفهومی

معنابخشی به تجربه

حافظه طولانی مدت روایی

تصور آینده

ساخت «داستان خود»

نگرانی، تحلیل و تصمیم‌گیری آگاهانه

این توانایی‌ها در کنار یکدیگر چیزی را که انسان «ذهن» می‌نامد، می‌سازند؛ اما این «چیز» نه یک جوهر است و نه یک موجودیت مستقل.

ذهن = ساختاری موقتی که توسط نئوکورتکس ساخته می‌شود و دائماً تغییر می‌کند.

---

۴. فرضیه آگاهی غیرمادی: سرچشمه تجربه فراتر از مغز

در این بخش به روشنی مطرح می‌شود:

آگاهی:

نه محصول مغز است،

نه از ماده مشتق شده،

نه با فعالیت نورونی محدود می شود.

آگاهی یک «میدان انرژی» است:

نامحدود

فرامادی

پیشازمانی

دارای توان تجربه خالص

مستقل از ساختارهای فیزیکی

مغز تنها آن را قابل تجربه می کند، نه اینکه آن را خلق کند.

بنابراین:

< آگاهی سرچشمه تجربه است؛

و ذهن، شکل سازمان یافته این تجربه پس از عبور از نئوکورتکس.

---

\*\*۵. مدل واسط مغز-آگاهی

**(Brain-Consciousness Interface Model)\*\***

بر اساس این مدل:

۱. نئوکورتکس = تولیدکننده فکر و ساختارهای معنایی

۲. آگاهی = انرژی تجربه‌گر و ناظر

۳. ذهن = محصول مشترک پردازش‌های نئوکورتکس + بازتاب آگاهی

به صورت خلاصه:

فکر مادی (نئوکورتکس) + آگاهی انرژی = ذهن (برساخت)

پیامدهای این مدل:

آسیب نئوکورتکس ذهن را مختل می‌کند، نه آگاهی را

سکوت ذهنی (مدیتیشن) کاهش نفوذ نئوکورتکس است، نه کاهش آگاهی

تجربه‌های نزدیک به مرگ با فعالیت ضعیف قشر مخ سازگارند

ذهن یک فیلتر است، نه منبع آگاهی

---

۶. چرا علم آگاهی را با ذهن اشتباه گرفت؟

ماتریالیسم علمی فرض کرد:

چون تفکر از مغز می‌آید،

و تجربه آگاهی در کنار تفکر ظاهر می‌شود،

پس آگاهی باید «محصول مغز» باشد.

این یک خطای رده‌بندی است.

آگاهی نه «فکر» است و نه «فرآیند عصبی».

آگاهی آن چیزی است که فکر را تجربه می‌کند.

اگر آینه نور را بازتاب دهد، نمی‌توان گفت آینه خود نور است.

به همین دلیل:

< ذهن، اشتباه علم در نام‌گذاری بازتاب آگاهی بوده است.

---

## ۷. بحث

این نظریه پیامدهای مهمی دارد:

۱. حل ناسازگاری دوگانه‌انگاری و فیزیکیالیسم

نیازی به دو جوهر مستقل نیست؛ اما آگاهی هم به مغز تقلیل نمی‌یابد.

۲. تعریف جدید از ذهن به‌عنوان «برساخت»

ذهن یک ساختار است، نه حقیقت وجودی.

۳. تغییر پارادایم در فهم آگاهی

آگاهی بنیادین است؛

ذهن سطح پدیداری آن است.

۴. پیامدهای بالینی و عصب‌شناختی

در آسیب‌های مغزی آگاهی نمی‌میرد؛ فقط «ساختار ذهن» فرو می‌ریزد.

---

## ۸. نتیجه‌گیری

این مقاله نشان می‌دهد که:

ذهن یک پدیده مستقل یا ازلی نیست

ذهن تنها خروجی تعامل آگاهی با نئوکورتکس است

نئوکورتکس فکر را می‌سازد، آگاهی آن را تجربه می‌کند

ذهن از ترکیب این دو پدید می‌آید

آگاهی نه از مغز سرچشمه می‌گیرد و نه در آن محدود می‌شود

در یک جمله:

«آنچه ذهن نامیده می‌شود، تنها جلوه زمینی آگاهی پس از عبور از فیلتر نئوکورتکس است؛ نه یک موجودیت مستقل.»

این چارچوب می‌تواند نقطه آغاز یک تحول نظری در علوم اعصاب، فلسفه ذهن و مطالعات آگاهی باشد.

---

### 1. Damasio, Antonio

Damasio, A. (2010). *Self Comes to Mind: Constructing the Conscious Brain*. New York: Pantheon Books.

– این کتاب پایه علمی بسیار قوی برای «نئوکورتکس و ساخت خود» است.

### 2. Panksepp, Jaak

Panksepp, J. (1998). *Affective Neuroscience: The Foundations of Human and Animal Emotions*. New York: Oxford University Press.

– برای توضیح اینکه «آگاهی خام» در سیستم لیمبیک وجود دارد ولی ذهن نه.

### 3. LeDoux, Joseph

LeDoux, J. (2015). *Anxious: Using the Brain to Understand and Treat Fear and Anxiety*. New York: Viking.

– توضیح دقیق درباره تفاوت «آگاهی خام» و «بازسازی شناختی» توسط نئوکورتکس.

### 4. Koch, Christof

Koch, C. (2012). *Consciousness: Confessions of a Romantic Reductionist*. Cambridge, MA: MIT Press.

– برای حمایت از ایده‌هایی که آگاهی صرفاً محصول مغز نیست.

### 5. Tononi, Giulio

Tononi, G. (2004). An information integration theory of consciousness. *BMC Neuroscience*, 5(1), 42.

– این مقاله علمی معتبر، پایه نظری برای «آگاهی به عنوان سیستم مستقل از مغز» است.

### 6. Chalmers, David

Chalmers, D. J. (1995). Facing up to the problem of consciousness. *Journal of Consciousness Studies*, 2(3), 200–219.

– بهترین مقاله کلاسیک برای «مسئله سخت آگاهی» و تفاوت آن با ذهن.

## 7. Seth, Anil

Seth, A. K. (2021). *Being You: A New Science of Consciousness*. New York: Dutton.

– توضیح دقیق درباره اینکه مغز واقعیت ذهنی را «می‌سازد».

## 8. Dehaene, Stanislas

Dehaene, S. (2014). *Consciousness and the Brain: Deciphering How the Brain Codes Our Thoughts*. New York: Viking.

– «نقش نئوکورتکس در ساخت تجربه ذهنی».

## 9. Metzinger, Thomas

Metzinger, T. (2003). *Being No One: The Self-Model Theory of Subjectivity*. Cambridge, MA: MIT Press.

– «ذهن به‌عنوان مدل‌سازی، نه جوهر مستقل».

## 10. Gazzaniga, Michael (Split-Brain Studies)

Gazzaniga, M. S. (2011). *Who's in Charge? Free Will and the Science of the Brain*. New York: Ecco.

– توضیح می‌دهد که ذهن چطور «برساختی» است و مغز چگونه داستان می‌سازد.